



### **Ebrahim Mousazadeh**

Prof. Department Of  
Public Law, Faculty Of  
Law and Political Science,  
University of Tehran, Iran.  
(Corresponding Author)  
e.mousazadeh@ut.ac.ir

### **Amir Hossein Gholami**

M.A. in Public Law,  
Faculty of Law and  
Political Science,  
University of Tehran,  
Tehran, Iran

## **Considerations in the creation and analysis of the content of the Palestinian constitution**

### **Abstract**

After years of conflict between some Palestinian currents and the occupying regime, finally, following the Oslo Accords in 1993, the parties recognized each other, and following the formation of the Palestinian state, its constitution was formed in 2002. The main question of the article is, what developments has the Palestinian constitution faced in the stages of development and what achievements has it achieved? The article is based on the descriptive and analytical method based on these findings: the Palestinian constitution around general principles, political structures, executive, legislative and judicial powers, people's rights and freedoms, rulings related to the transitional period and the extraordinary st has predicted Although this law was formed for the government of the five-year transition period included in the mentioned agreement, but after the transition period, it has continued to be valid with amendments, and as a result of differences between political parties and currents, especially Fatah and Hamas, the Palestinian constitution has not been able to achieve its goals.

### **Keywords:**

Palestinian rights, Oslo agreement, Hamas, Fatah, PLO

## ملاحظات در فرآیند تدوین قانون اساسی فلسطین و ارکان آن

### چکیده

بعد از سال‌ها منازعه میان برخی جریانهای فلسطینی و رژیم اشغالگر، سرانجام در پی پیمان اسلو در سال ۱۹۹۳ م، طرفین یکدیگر را به رسمیت شناختند و در پی تشکیل دولت فلسطین قانون اساسی آن نیز در سال ۲۰۰۳ میلادی شکل گرفت. پرسش اصلی نوشتار این است که قانون اساسی فلسطین در مراحل تدوین با چه فرآیندهایی مواجه بوده و دارای چه ارکانی است؟ نوشتار با روش توصیفی و تحلیلی مبتنی بر این یافته‌ها است که بافت سیاسی و اجتماعی دولت خودگردان فلسطین، از میان نظام‌های مختلف سیاسی با نظام نیمه‌ریاستی سازگارتر است و لذا نظام سیاسی مطلوب از قانون اساسی این دولت نظام نیمه ریاستی است، چرا که نظام پارلمانی با توجه به تکتک احزاب در فلسطین و اختلاف میان آنها سبب اختلاف و بی‌نظمی در ارکان اداره کشور می‌گردد. نکته دیگری که نیازمند بازبینی در قانون اساسی است، توجه و تصریح به تعلق فلسطین به امت واحده اسلامی است، این در حالی است که قانون اساسی موجود صرفاً تأکید بر امت عربی بدون توجه به امت واحده اسلامی نموده است، آشکار است که این تعصبات قبیله‌ای خلاف شأن وحدت کشورهای اسلامی است. شایان ذکر است که هرچند ماده ۲۴ قانون اساسی بیان نموده است که مبانی شریعت اسلام منبع اصلی قانون‌گذاری است، اما خود «مبانی شریعت» در مقابل «شریعت» نشان از عدم پایبندی قانون اساسی فلسطین به احکام شریعت است که عملاً به دست جریان سکولار سازمان آزادی‌بخش فلسطین بنا نهاده شده است.

### واژگان کلیدی:

پیمان اسلو، ساف، صهیونیسم، حقوق فلسطین، حماس، فتح.

### ابراهیم موسی زاده

استاد گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)  
e.mousazadeh@ut.ac.ir

### امیرحسین غلامی

کارشناسی ارشد، حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

## مقدمه

با اعلام بیانیه موسوم به بالفور در سال ۱۹۱۷ م، توسط بریتانیا که با «طرح خانه ملی برای یهودیان» زمینه را برای نفوذ صهیونیسم در فلسطین فراهم آورد، منازعه میان فلسطینیها و صهیونیست ها آغاز شد. سرانجام در سال ۱۹۴۸ م، رژیم اشغالگر اعلام استقلال نمود. از آن دوران تاکنون جهان شاهد صحنه های خونباری از نزاع میان این دو گروه می باشد. در سال ۱۹۸۸ م، تلاش هایی برای صلح و بیرون آوردن مسئله فلسطین از بن بست مخاصمات توسط سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) به عنوان نماینده فلسطین در نظام حقوق بین الملل و رژیم صهیونیستی صورت پذیرفت و به پیمان اسلو و سپس پیمان دوم اسلو منجر گردید. همچنان نیز تلاش هایی برای ادامه روند صلح مطرح شده اما به نتیجه نرسیده است.

طبق پیمان اسلو رژیم صهیونیستی متعهد می شود که دولت فلسطینی را در کنار خود به رسمیت بشناسد و نیز سازمان آزادیبخش نیز دولت اسرائیل را به رسمیت بشناسد. سایر مسائل نظیر پناهندگان، شهرک سازی و... نیز منوط به مذاکرات آتی شد که هنوز در این مسائل شاهد توافق جامعی بین طرفین نبودیم. البته پیش از پیمان اسلو نیز در تاریخ ۱۹۸۸ اعلامیه استقلال فلسطین به طور یک جانبه توسط سازمان آزادیبخش فلسطین در الجزایر قرائت شد و پس از آن دولت های متعددی در همان سال این دولت را به رسمیت شناختند. بنابراین می توان گفت تشکیل دولت فلسطین از نظر حقوقی به عهدنامه الجزایر بر می گردد اما تاسیس حقیقی و واقعی این دولت و تشکیل تشکیلات ملی فلسطین به بعد از پیمان اسلو که در سال ۱۹۹۳ م، منعقد شد مربوط می شود. در سال ۲۰۰۲ قانون اساسی توسط مجلس قانونگذاری فلسطین صادر شد و یاسر عرفات رئیس وقت تشکیلات خودگردان آن را امضا کرد. این قانون اساسی که در سال ۲۰۰۳ اصلاحاتی تقریباً جزئی بدان وارد آمد شامل قواعد مربوط به نوع نظام سیاسی، ساختارهای نظام سیاسی، حقوق ملت و وضعیت دوره انتقالی و... است. به هر حال، پرسش اصلی نوشتار این است که قانون اساسی فلسطین در مراحل تکوین با چه تحولاتی مواجهه بوده است و چه دستاوردهایی داشته است؟

هدف از این پژوهش آشنایی با نظام حقوقی دولتی است که سرنوشتش پیوندی تنگاتنگ با سرنوشت دولت ها اسلامی و جهان اسلام دارد، بویژه اینکه علی رغم وجود تألیفات و فعالیت های پژوهشی بسیاری درباره فلسطین و وجود سابقه پژوهشی پربراری در این زمینه، از بعد حقوقی علی الخصوص حقوق اساسی، مسئله فلسطین

به شکل شایسته مورد واکاوی واقع نشده است که این نوشتار از این نظر دارای اهمیت می باشد. روش تحقیق، توصیفی و تحلیلی است. روش گردآوری اطلاعات هم کتابخانه ای و ابزار گردآوری اطلاعات فیش برداری است. همچنین روش تجزیه و تحلیل اطلاعات کیفی می باشد.

## ۱. تحولات تکوینی فلسطین

### ۱-۱. جغرافیا، جمعیت و بافت اجتماعی

فلسطین به صورت تاریخی و از دوران روم باستان به ناحیه ای گفته می شد که بین دریای مدیترانه و کرانه های رود اردن واقع شده است. امروزه دولت فلسطین به دلیل اشغال کثیری از سرزمین فلسطین توسط رژیم اشغالگر قدس فعلاً تنها به نقاطی اطلاق می شود که تحت حاکمیت حکومت خودگردان فلسطین قرار دارد (عمیدزجانی، ۱۳۸۴: ۳۸۵).

از لحاظ جمعیت طبق اعلام مرکز آمار فلسطین بر اساس نتایج سرشماری جمعیت در سال ۲۰۲۰ جمعیت فلسطینیان در سراسر جهان به ۱۳ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر رسیده است یعنی چیزی نزدیک به جمعیت یهودیان در سراسر جهان (حدود ۱۴ میلیون نفر) است و جمعیتی که تحت حاکمیت تشکیلات خودگردان زندگی می کند حدود ۵ میلیون و ۲۵۴ هزار نفر می باشد (آناتولی، ۲۰۲۰).

سرزمین فلسطین ۲۷ هزار کیلومتر مربع است که تنها ۶۰۲۰ کیلومتر از آن در اختیار دولت فلسطین و تشکیلات خودگردان فلسطین قرار دارد و مابقی در تصرف رژیم صهیونیستی است. دین غالب مردم در فلسطین اسلام است که اکثریت آنان سنی و اقلیتی شیعه هستند. جنبش صابرین، مجلس شیعه اعلاای فلسطین و انجمن شقاقی مهمترین گروه های شیعی گروه های سیاسی شیعی در این کشورند. همینطور مسیحیان نیز بعد از مسلمانان بخشی از جمعیت این کشور را تشکیل می دهند.

### ۲-۱. تحولات تاریخی

در فلسطین از اول اقوامی نظیر کنعانیان، پولاستی ها و فریسیان در آن می زیستند (ساجدی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۸). بعد حضرت ابراهیم علیه السلام بود که به این منطقه هجرت گزید و سکنی یافت و نسل او در این سرزمین گسترش پیدا نمودند و بعد دوازده قبیله معروف در آنجا پدیدار شد. اما بعدها یهودیان به مدت چهار صد سال در مصر

در اسارت به سر بردند. پس از بازگشت به فلسطین و شکست کنعانیان توسط بنی اسرائیل به رهبری یوشع، آنان به تدریج بر بخشهایی از فلسطین حاکم گشتند تا آن که سرانجام رومیان به سال ۶۳ پیش از میلاد فلسطین را به اشغال خود درآوردند. بعد از شورش یهودیان علیه رومیان، رومیان آنان را از این سرزمین اخراج نمودند و یهودیان در جاهای دیگر پراکنده گشتند. سلطه رومیان نیز بر فلسطین با فتح فلسطین و سایر مناطق شامات به دست مسلمانان پایان رسید (دوست محمدی، ۱۳۸۲: ۷۶-۷۱). سلطه سیاسی مسلمانان بر این منطقه ادامه داشت تا آنکه در جنگ های صلیبی برای مدتی بیت المقدس و سایر مناطق فلسطینی در تصرف جنگجویان صلیبی قرار گرفت. سرانجام جنگ های صلیبی با پیروزی قاطع مسلمانان به رهبری صلاح الدین ایوبی به پایان رسید. سلطه سیاسی مسلمانان در این منطقه در زمان عثمانی نیز ادامه یافت تا آنکه با جنگ جهانی اول و شکست عثمانی از اتفاق مثلث، فلسطین تحت قیمومیت بریتانیا درآمد و عملاً با اعلامیه بالفور، قیمومت انگلستان بر فلسطین، تاسیس آژانس یهود در این منطقه و مهاجرت کثیری از صهیونیست ها در این فاصله، مقدمات تشکیل دولت اشغالگر صهیونیستی در خاک فلسطین را فراهم آورد تا اینکه در سال ۱۹۴۸ همزمان با خروج فلسطین از قیمومت بریتانیا، صهیونیست های مستقر در فلسطین تشکیل دولتی با نام اسرائیل را اعلام کردند و از آن زمان تاکنون به اشغال مناطق وسیعی از فلسطین دست یازیده اند (گلی زواره، ۱۳۷۸: ۱۴۶).

البته تلاش‌هایی در درون و خارج فلسطین برای مقابله با اسرائیل صورت پذیرفت اما آنچنان ره به جایی نبرد و بعد از شکست های پی‌درپی کشورهای عربی از اسرائیل، فلسطینیان نهضت جدیدی با نام سازمان آزادیبخش فلسطین را شکل دادند که به رهبری یاسر عرفات سالها به جدال با اسرائیل پرداخت. نهایتاً پس از سالها جنگ و درگیری ساف با اسرائیل، دولت اردن (سپتامبر سیاه اردن) و احزاب لبنانی (جنگ داخلی لبنان) اسرائیل و ساف طی پیمان اسلو یکدیگر را به رسمیت شناختند و بدین ترتیب طبق این پیمان در کنار رژیم اشغالگراسرائیل باید دولتی به نام دولت فلسطین شکل می گرفت. لذا تاریخ ۱۹۹۳ (پیمان اسلو) و ۱۹۸۸ (اعلامیه استقلال فلسطین توسط عرفات) را می توان دو تاریخ مهم در شکل گیری دولت فلسطین دانست که به واسطه آن تشکیلات خودگردان فلسطین در کرانه باختری و غزه اعمال حاکمیت می نماید و در سازمان ملل به عنوان دولت ناظر و در سازمان همکاری های اسلامی نیز به عنوان یک دولت به رسمیت شناخته شده است (سرحال، ۱۹۹۰: ۴۲۳).

### ۳-۱. احزاب و جریان‌های سیاسی

تاریخ احزاب در فلسطین را باید از زاویه مبارزات علیه قیمومت بریتانیا بر فلسطین و صهیونیسم ملاحظه کرد. از جمله این گروه‌ها، گروهی مسلح و مخفی بود که توسط عزالدین قسام در سالهای قیمومت بریتانیا بر فلسطین ایجاد شد که هدف خود را جلوگیری از مهاجرت یهودیان به فلسطین می‌دانست و همچنین گروه‌های دیگری نظیر باشگاه عربی (النادی العربی)، پنجه سیاه (الکف السوداء) نیز در دوران قیمومیت بریتانیا و مهاجرت یهودیان به فلسطین شکل یافتند. از جمله قیام‌ها و حرکات مردمی در این دوره قیام ۱۹۲۰ بود که به انقلاب اول فلسطین مشهور است و نیز قیام براق می‌باشد (حسن، ۲۰۰۹: ۵۶۱). گروه‌های مختلفی در جریان جدال‌های فلسطینیان و اسرائیل شکل گرفتند که به طور کلی می‌توان آن‌ها را به سه دسته تقسیم کرد:

**الف) احزاب ناسیونالیست:** این احزاب بر اساس اندیشه ناسیونالیسم عربی شکل گرفته‌اند. از مهمترین این احزاب می‌توان سازمان فتح (حرکه التحریر الوطنی الفلسطینی) را نام برد که در سال ۱۹۵۹ توسط یاسر عرفات و خلیل الوزير شکل گرفت. فتح با ایجاد ائتلافی با گروه‌های دیگر فلسطینی، سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف)، با پیروزی در نبرد کرامه در سال ۱۹۶۸ توانست وجهه مردمی بالایی در میان اعراب به دست آورد و به عنوان نماینده ملت فلسطین به عنوان یک نهضت آزادی بخش در سازمان‌های بین‌المللی عضویت یابد و در مجمع عمومی سازمان ملل نیز به عنوان ناظر صاحب کرسی شود. در نتیجه انعقاد پیمان اسلو میان سازمان و اسرائیل بود که دولت فلسطین در کرانه باختری رود اردن و نوارغزه شکل گرفت و به عنوان دولت ناظر به جای سازمان آزادیبخش فلسطین یا همان فتح در سازمان ملل متحد نمایندگی ملت فلسطین را عهده دار است. (دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۹۶، ج ۲۲: ۳۲۶).

با آنکه خط مشی چپ میانه در بین اعضای این سازمان قوی بود اما اندیشه ناسیونالیسم بر این نهضت غلبه داشت و به همین جهت سازمان توانسته است فلسطینیان زیادی را با عقاید و گرایش‌های مختلف حول اندیشه ملی‌گرایی فلسطینی و عربی متحد سازد. البته این گروه به تدریج از دیدگاه‌های چپ خود فاصله گرفته و به مرور بیش از پیش به اندیشه‌های سیاسی - اقتصادی غربی نزدیک شده است. چنانکه در قانون اساسی فلسطین که حاصل تلاش‌های این سازمان است به صراحت در بند ۱ ماده ۲۱ ذکر شده است که نظام اقتصادی فلسطین مبتنی بر اقتصاد آزاد است.

ب) **احزاب اسلامی:** اولین مبارزات فلسطینیان با بریتانیا و یهودیان مهاجر در زمان قیمومت بیشتر با گرایش‌های اسلامی صورت می‌پذیرفت. این مبارزات از آن زمان در قالب گروه‌های مختلف اسلامی نظیر اخوان المسلمین فلسطین به حیات خود ادامه داد. اکنون مهمترین گروه‌های اسلامی در فلسطین عبارتند از حماس، جهاد اسلامی حزب التحریر، اتحاد الوطنی الاسلامی، الجبهه الاسلامیه الفلستینیه. (Armed Groups – Mapping) (Palestinian Politics, 2018)

ج) **احزاب چپ:** مبنای اصلی اندیشه و مانیفست این احزاب بر اندیشه مارکسیسم بنا شده است. این دسته از احزاب پس از احزاب ناسیونالیستی و اسلامی در میان فلسطینیان در مرتبه سوم قرار می‌گیرند. این احزاب آنچنان نتوانسته‌اند در صحنه سیاسی فلسطین نقشی کلیدی ایفا کنند. برخی از این جریان‌ها در سازمان آزادیبخش فلسطین و دولت فلسطین حل شدند و برخی همچنان به عنوان اپوزیسیون فعالند. (لداده، ۱۴۰۰: ۲۸). مهمترین این احزاب عبارتند از: حزب الشعب الفلستینی، جبهه النضال الشعبی الفلستینی، الجبهه الشعبیه لتحریر فلسطین، الجبهه الیدمقراطیه لتحریر فلسطین.

#### ۱-۴. تکوین تاریخی قانون اساسی

بعد از ۱۹۴۸ و اشغال بخش وسیعی از سرزمین فلسطین به دست صهیونیستها، کشورهای عربی به مقابله با اسرائیل پرداختند. مصر، غزه را تصرف کرد و اردن کرانه باختری و بیت المقدس شرقی را تحت اختیار گرفت. کرانه باختری و بیت المقدس شرقی به شکل مستقیم توسط اردن اداره می‌شد. دولت مصر تصمیم بر آن گرفت که غزه خود دولتی مستقل داشته باشد و لذا در غزه دولتی مستقل بنا شد و قانون اساسی این نیز برای این ترتیب داده شد. اما پس از شکست اعراب از اسرائیل در جنگ شش روزه در سال ۱۹۶۷ کرانه باختری به دست اسرائیل افتاد و در این مناطق احکام و دستورات فرماندهی نظامی اسرائیلی حاکم بوده است. تداوم جدال میان سازمان آزادیبخش فلسطین و اسرائیل در نهایت به پیمان اسلو و رسمیت شناخته شدن فلسطین انجامید (خلیل، ۲۰۰۵: ۳-۲).

در سال ۱۹۸۸ در بیانیه‌ای که توسط یاسر عرفات در الجزایر قرائت شد سازمان آزادیبخش فلسطین استقلال دولت فلسطین را اعلام کرد. (پاسدار اسلام، ۱۳۸۲: ۴۱). و بعد از آن در سال ۱۹۹۳ با انعقاد پیمان اسلو دولت انتقالی شکل گرفت که در این باره مقدمه قانون اساسی بیان می‌دارد در چهارچوب مرحله انتقالی که از توافقنامه

نشئت گرفته است موضوع تاسیس نهاد تشکیلات ملی فلسطین و قوای سه گانه آن شامل قوه مقننه و قوه مجریه و قوه قضاییه یکی از ماموریت های فوری و ضروری ملت فلسطین به حساب می آید (صالح، ۲۰۱۴: ۹۸).

در پیمان اسلو یا همان توافقنامه اعلام اصول ( ماده ۳ ) مقرر شده است که مجلس قانونگذاری در دوره انتقالی تشکیل گردد و با تشکیل مجلس قانون گذاری از طریق انتخاباتی آزاد نمایندگان منتخب فلسطین انتخاب شوند. منظور از مرحله انتقالی بازه ی زمانی پیش بینی شده در پیمان اسلو بوده است که طرفین دوره ای ۵ ساله را به عنوان دوره انتقالی جهت خروج تدریجی اسرائیل از مناطق مورد توافق و استقرار دولت فلسطین در نظر گرفتند. این قانون اساسی در سال ۲۰۰۳ اصلاح شد که البته با قانون اساسی دوره انتقالی تفاوت چندانی ندارد.

## ۲. محتوای قانون اساسی فلسطین

### ۱-۲. معرفی کلی

قانون اساسی فلسطین دارای یک مقدمه، ۸ فصل و ۱۲۱ ماده می باشد. همین طور در سال ۲۰۰۳ متن الحاقی ای نیز به آن افزوده شده است که نهاد نخست وزیری را پیش بینی نموده است و تغییراتی در فصل بندی برخی از مواد و فصل های قانون اساسی ایجاد کرده است.

قانون اساسی فلسطین هرچند در برخی مواد شباهت زیادی با سایر قوانین اساسی دولت های عربی دارد؛ نظیر ماده ۱ قانون اساسی فلسطین که بیان می دارد: «فلسطین بخشی از جهان عرب است و ملت عربی فلسطین بخشی از امت عربی بوده و وحدت عربی هدفی است که ملت فلسطین برای تحقق آن تلاش می کند.» اما در مجموع با توجه به پیمان اسلو (نظیر ماده ۳) و تعهداتی که سازمان آزادیبخش به عنوان نماینده ملت فلسطین طی این توافق بر ذمه خود مشغول داشته است و جایگاه متزلزل حقوقی سازمان آزادیبخش فلسطین به عنوان یک نهضت آزادی بخش نسبت به یک دولت در نظام حقوق بین الملل و نیز جلب توجه غرب، سازمان های بین المللی و افکار جهانی، سعی شده است که قانون اساسی به اندیشه های مدرن حقوقی و اسناد حقوق بشری نزدیک شود. سازمان آزادیبخش تا پیش از تشکیل دولت فلسطین یک نهضت آزادیبخش شناخته می شد لکن سعی کرده است که به تدریج خود را با سیاست لیبرالیسم جهانی حاکم بر نظام حقوق بین الملل هماهنگ

کند که این خود در قانون اساسی نیز متجلی است.

## ۲-۲. اصول بنیادین

قانون اساسی فلسطین تحت تاثیر ناسیونالیسم عربی و پان عربیسم به جای تأکید بر مفهومی نظیر امت اسلامی یا امت واحده بر امت عربی تأکید داشته است و سخنی از امت اسلامی به میان نیاورده است؛ حتی نگاه بسیاری از فلسطینیان و اعراب به مسئله و آرمان فلسطین و قدس شریف نگاهی قومی است. چنانکه قدس شریف را که مکان و نهادی مذهبی و اسلامی است «قدس العربی» خطاب می‌کنند. این نگاه قومی فاقد هرگونه وجهی است چرا که نمی‌تواند همه مسلمانان را برای ایستادگی بر سر آرمان فلسطین یکپارچه کند.

قانون اساسی در ماده دوم اعلام می‌دارد: «مردم مصدر حاکمیت‌اند و آن را از طریق قوای مقننه، مجریه و قضائیه و بر اساس اصل استقلال قوا منطبق بر آنچه در این قانون اساسی آمده اعمال می‌کنند.» هرچند جمله اول (مردم مصدر حاکمیت‌اند) نشانگر نظریه حاکمیت مردم است اما ادامه ماده (و آن را از طریق قوای مقننه مجریه و قضائیه و بر اساس استقلال قوا) افاده حاکمیت ملی می‌کند. همچنین قانون اساسی قدس را پایتخت فلسطین می‌داند. (ماده ۴) البته باید خاطر نشان کرد که شهر قدس (بیت المقدس) به طور کامل تحت اشغال اسرائیل است. علی‌الخصوص بیت المقدس شرقی یکی از موارد اختلاف میان سازمان آزادیبخش و اسرائیل است و در جوامع بین‌المللی و نظام حقوق بین‌الملل نیز همانند سایر متصرفات بعد از سال ۱۹۶۷ بیت المقدس شرقی، اراضی اشغالی محسوب می‌شود و با توجه به قواعد حقوق بین‌الملل، من جمله منع توسل به زور، اشغال این مناطق غیر قانونی بوده و اسرائیل می‌بایست آنجا را ترک کند اما با این وجود اسرائیل نه تنها قدس یا همان بیت المقدس را در اشغال خود دارد بلکه کنترل امنیتی مناطق وسیعی از کرانه باختری که از متصرفات ۱۹۶۷ (جنگ شش روزه) است را نیز تحت کنترل خود دارد.

طبق توافقنامه دوم اسلو ۱۹۹۵ کرانه باختری به سه منطقه «الف»، «ب»، «ج» تقسیم شده است که تنها منطقه «الف» هم از نظر اداری و هم امنیتی در سیطره تشکیلات ملی است و منطقه «ب» از نظر امنیتی و منطقه «ج» از نظر امنیتی و هم از نظر اداری در کنترل اسرائیل است اما به هر حال با وجود اشغال قدس توسط اسرائیل، به عنوان یک هدف و یک سمبل قانون اساسی فلسطین قدس را پایتخت

فلسطین شناخته است. البته اکنون مرکز فعالیت های تشکیلات خودگردان فلسطین در شهر رام الله واقع شده است. (ابری، ۲۰۲۰، ص ۱۲۰)

ماده ۵ قانون اساسی فلسطین سیستم حکومتی فلسطین را دموکراتیک و پارلمانی توصیف می کند. لفظ پارلمانی در این ماده به معنای آن نیست که شکل نظام سیاسی بر مبنای تفکیک قوا، پارلمانی است چراکه با توجه به ماده ۳۴ و ۳۵ که بدان اشاره خواهد شد نظام سیاسی فلسطین یک نظام شبه ریاستی است. بنابراین مقصود آن است که به واسطه وصف دموکراتیک سیستم حکومتی، نظام حکومتی فلسطین دارای پارلمانی متشکل از نمایندگان مردم است که از طریق اراده مردم در قالب انتخابات به مجلس راه خواهند یافت و اینگونه اراده اکثریت متجلی می گردد. قانون اساسی همچنین حاکمیت قانون را به رسمیت شناخته است. (ماده ۶)

قانون اساسی همچنین برای ملت فلسطین تابعیت فلسطینی در نظر گرفته است. (ماده ۷) این تابعیت به فلسطینیان و حتی غیر فلسطینیانی که در سرزمین های تحت حاکمیت تشکیلات ملی فلسطین حضور ندارند نیز اعطا می شود. همچنین قانون اساسی درباره پرچم فلسطین تعیین تکلیف کرده است. (ماده ۸)

قانون اساسی فلسطین با توجه به پیمان اسلو (ماده ۱) که در آن یک دوره انتقالی ۵ ساله جهت استقرار دولت فلسطینی و خروج مناطقی از کرانه باختری و غزه از سیطره اسرائیل پیش بینی شده است بیان می دارد که: «احکام قانون اساسی در دوره انتقالی اعتبار دارد و تهدید آن تا زمان تدوین قانون اساسی جدید دولت فلسطین نیز مجاز است.» بعد از پایان دوره انتقالی نیز به جز اصلاحاتی که در متن الحاقی به مقدمه درباره نهاد نخست وزیری و تنظیم مواد شد، همچنان قانون اساسی دوره انتقالی به قوت خود پابرجاست. قانون اساسی در ماده ۱۲۰ بیان داشته است: « مفاد این قانون اساسی بدون موافقت بیش از دو سوم اعضای مجلس قانونگذاری فلسطین قابل تغییر نیست.»

## ۳-۲. حقوق و آزادی ها

### ۳-۲-۱. حقوق مدنی - سیاسی

در قانون اساسی فلسطین حقوق مدنی - سیاسی ذیل به رسمیت شناخته شده اند: اصل برابری (ماده ۹)، الزام به رعایت حقوق بشر و آزادیهای بنیادین (ماده ۱۰)، آزادی فردی به عنوان یک حق طبیعی (ماده ۱۱)، آگاه شدن متهم از علت دستگیری

یا توقیف خود، حق داشتن وکیل، آغاز محاکمه بدون تاخیر (ماده ۱۲)، ممنوعیت شکنجه و ابطال اعتراف ناشی از آن (ماده ۱۳)، لزوم داشتن وکیل در امور جنایی و اصل برائت (ماده ۱۴)، شخصی بودن مجازات اصلی قانونی بودن جرایم و مجازات ها (ماده ۱۵)، آزادی عقیده، عبادت و انجام مناسک دینی مشروط بر آنکه مخل نظم عمومی و آداب عامه نباشد (ماده ۱۸)، آزادی بیان (ماده ۱۹)، پذیرش حقوق طبیعی (ماده ۳۰).

دو نکته مهمی که لازم است ذکر شود اول اینکه: ادبیات به کار رفته در قانون اساسی فلسطین بنظر می رسد علمی و دقیق نگارش یافته است؛ یعنی در نگارش قانون اساسی سعی شده که از اصطلاحات و مفاهیم دقیق و مدرن دانش حقوق نظیر حاکمیت قانون، تفکیک قوا و حقوق طبیعی، قانونی بودن جرایم و مجازات ها استفاده گردد که ابهامات در تفسیر قانون اساسی بدین طریق کمتر می شود و گره های آتی در اجرای قانون اساسی پیشاپیش مرتفع می گردد.

دوم اینکه قانون اساسی فلسطین در ماده ۳۰ از پذیرش حقوق طبیعی سخن در میان آورده است. این بدان معنی است که حکومت علاوه بر آزادی های بنیادین، یعنی آزادی هایی که در قانون اساسی تضمین نموده و اسناد حقوق بشری که بدان ها پیوسته است، بایستی آن دسته از حقوقی را که در قانون پیش بینی نشده است اما وجدان بشری به آن حکم می کند را نیز تضمین کند و این مسئله حداقل در مقام نظر بدان معنی است که اگر در دادگاه به حقی استناد شود که در قانون پیش بینی نشده است اما عقل و وجدان به آنها حکم می کند، محکمه نه تنها می تواند بلکه باید چنین ادعایی را پذیرفته و بر اساس آن حکم دهد (قاضی، ۱۳۸۴: ۱۸۷). اما اینکه آیا آنچه در عمل در نظام حقوقی فلسطین رخ می دهد مطابق با این ماده است یا نه خود نیازمند پژوهش و مطالعه دیگری است.

### ۲-۳-۲. آزادی های اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی

پذیرش مبانی اقتصاد آزاد و مصون بودن مالکیت خصوصی (ماده ۲۱)، خدمات مربوط به تامین اجتماعی، بهداشتی معلولین و سالمندان، حمایت از خانواده های شهدا و اسرا، مجروحان، خسارت دیدگان (ماده ۲۲)، حق مسکن (ماده ۲۳)، حق بر آموزش، آموزش حداقل تا پایان دوره ابتدایی و آموزش در مدارس، کالج ها و موسسات دولتی رایگان (ماده ۲۴)، حق اشتغال، آزادی اصناف و اعتصاب (ماده ۲۵)، حمایت از مادران و کودکان (ماده ۲۶)، حق بر داشتن محیط زیست سالم (ماده ۳۳) و ... از

اهم این آزادی‌ها است.

### ۳.۲.۲. ضمانت اجرای‌های حفظ و اعمال حقوق ملت

ماده ۳۲ قانون اساسی فلسطین اعلام می‌دارد هرگونه تجاوز به آزادیهای فردی یا زندگی خصوصی افراد و دیگر حقوق و آزادی‌های مطرح شده در قانون اساسی و دیگر قوانین جرم بوده و حق شکایت قضایی از آن به سبب گذشت زمان از بین نمی‌رود و تشکیلات ملی فلسطین مسئول پرداخت خسارت به خسارت دیدگان است. همچنین در ماده ۳۱ بیان می‌دارد به موجب قانون، هیئت مستقل حقوق بشر تشکیل می‌شود. قانون حدود و ضوابط مربوط به تشکیل وظایف و اختیارات این هیئت را مشخص می‌سازد و گزارش‌های آن برای رئیس تشکیلات ملی و مجلس قانونگذاری فلسطین فرستاده می‌شود.

### ۴-۲. ارکان و تشکیلات اساسی

#### ۴-۲-۱. قوه مجریه

نظام سیاسی فلسطین جمهوری می‌باشد که در آن رئیس تشکیلات ملی فلسطین همان رئیس کشور است. شکل این نظام بر اساس تفکیک قوا، ریاستی است چرا که رئیس تشکیلات ملی از سوی مردم انتخاب می‌شود و نیز بر خلاف نظام پارلمانی نخست وزیر را نیز رئیس تشکیلات ملی فلسطین تعیین می‌کند و حق برکناری او را نیز دارد. (ماده ۴۵) رئیس تشکیلات ملی فلسطین (در حال حاضر محمود عباس مکنی به ابومازن) وظایف و اختیاراتی دارد که در ماده ۳۹ تا ۴۵ قانون اساسی پیش بینی شده است. لازم به ذکر است پس از درگذشت یاسر عرفات به عنوان اولین رئیس تشکیلات ملی فلسطین، در انتخابات سال ۲۰۰۵، محمود عباس به عنوان رئیس جدید انتخاب شد. (رائد، ۲۰۱۲: ۷۶).

ماده ۳۶ مدت ریاست رئیس تشکیلات ملی فلسطین را همان مدت ذکر شده در مرحله انتقالی قرار داده است که منظور همان مدت پنج سال پیش بینی شده در پیمان اسلو است و نیز در همین ماده بیان داشته است که رئیس بعدی بر اساس قانون انتخاب می‌شود که در همین زمینه رئیس تشکیلات خودگردان بر اساس اختیار خود در ماده ۴۳ قانون اساسی، دستوری در حکم قانون صادر کرده است که در آن مقررات مربوط به انتخابات را مشخص نموده است؛ منجمله در ماده ۳ دستور

شماره ۱ سال ۲۰۰۷ که مدت ریاست جمهوری را چهار سال تعیین نموده است و رئیس تشکیلات نباید بیش از دو دوره انتخاب گردد.

وظایف و اختیارات رئیس تشکیلات ملی فلسطین در مواد ۳۹ تا ۴۵ قانون اساسی ذکر گردیده است که عبارت است از: فرماندهی کل نیروهای مسلح ( ماده ۳۹ )، انتخاب نمایندگان تشکیلات ملی در کشورها و سازمانهای بین المللی و خارجی و نیز پذیرش استوارنامه نمایندگان کشورهای دیگر (ماده ۴۰)، ابلاغ قوانین (ماده ۴۱). او در صورت لزوم و در مواردی که امکان تأخیر وجود ندارد یا در زمانی که مجلس قانونگذاری دوره اش به پایان رسیده است میتواند دستوراتی صادر کند و این دستورات حکم قانون را دارد. این دستورات در نخستین جلسه برگزاری نشست نمایندگان مجلس قانونگذاری فلسطین باید در مجلس بررسی شود و تا زمان تعیین تکلیف به عنوان قانون محسوب می شود. چنانچه به همان صورت سابق به مجلس ارائه گردید و مجلس آن را تصویب نکرد، همچنان به عنوان مصوبه قانونی تلقی می شود (ماده ۴۳). این ماده عملاً به نحو چشمگیری در باب اختیارات رئیس تشکیلات تفوقی را نسبت به مجلس قائل شده است که به نوعی با تفکیک قوا ناسازگار است. اما شاید در ذهن قانونگذار اختلافات میان گروه‌های فلسطینی خصوصاً احزاب اسلامی و سکولار مطرح بوده است و لذا با وضع این اختیار در نظر داشته است که اگر در اثر اختلافات حزبی کار مجلس گره بخورد و نتواند فعالیت‌های تقنینی خود را به جای آورد، رئیس تشکیلات با دستورات فوق العاده این گره را بگشاید. در عمل نیز اختلافات میان احزاب مخصوصاً حماس و فتح کار مجلس را برای چندین سال به بن بست کشانده است. چنانکه مجلس قانونگذاری فلسطین که انتخابات آن باید هر چهار سال یکبار صورت می گرفت، آخرین انتخابات آن در سال ۲۰۰۶ بوده است که در آن حماس در انتخابات مجلس به پیروزی رسید. اما در پی جنگ داخلی فلسطین و کنترل حماس در نوار غزه در سال ۲۰۰۷ نشست‌های مجلس متوقف و اختیارات آن به محمود عباس واگذار شد (محمدی، ۱۳۹۷: ۵). اختیار مندرج در ماده ۴۳ به نوعی در این شرایط بحرانی قانونگذاری، برای رئیس تشکیلات این امکان را فراهم آورد که نقش قوه مقننه را هم ایفا کند. سرانجام در سال ۲۰۲۱ قرار شد که انتخابات مجلس قانون گذاری برگزار شود اما با کارشکنی صهیونیست‌ها مبنی بر عدم امکان برگزاری انتخابات در منطقه بیت المقدس شرقی محمود عباس اعلام داشت که در صورت عدم امکان رأی‌گیری در بیت المقدس شرقی انتخابات به تعویق خواهد افتاد (عصفور، ۲۰۱۶: ۳۷۲) و لذا همچنان انتخابات مجلس و همچنین انتخابات

ریاست تشکیلات در سایه اختلافات و در سایه هراس ساف و اسرائیل از قدرت گیری گروه‌های مقاومت در کرانه باختری در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.

از دیگر اختیارات رئیس تشکیلات ماده ۴۵ قانون اساسی است که بیان می‌دارد: «رئیس تشکیلات ملی نخست وزیر را انتخاب و آن را برای تشکیل کابینه مأمور می‌کند و حق برکناری و پذیرش استعفای نخست وزیر را دارد و می‌تواند از نخست وزیر برای تشکیل جلسات کابینه دعوت به عمل آورد.»

در کنار رئیس تشکیلات، هیئت وزیران (کابینه) متشکل از نخست وزیر و اعضای کابینه او را همراهی می‌کنند. مسئولیت‌های نخست وزیر مندرج در ماده ۴۸ عبارت است از:

تشکیل کابینه، تغییر اعضای کابینه یا پذیرش استعفای وزیران و پرکردن مناصب خالی هیئت وزیران، دعوت از وزیران برای شرکت در جلسه و نیز تهیه دستور کار جلسات، ریاست جلسات هیئت وزیران، اداره امور مربوط به هیئت وزیران، نظارت بر عملکرد آنان و نهادهای دولتی، صدور دستورات لازم در سطح اختیارات و مطابق قانون، امضا و صدور لوایح و آیین نامه‌هایی که هیئت وزیران مورد تصویب قرار می‌دهد، تکلیف به برگزیدن یکی از وزرا به عنوان معاون جهت بر عهده گرفتن ریاست جلسات در غیاب او و ...

مقام نخست وزیری در نظام شبه ریاستی فلسطینی با نظام پارلمانی نظیر انگلستان متفاوت است. در نظام پارلمانی رئیس کشور مقامی تشریفاتی است و نخست وزیر با اختیارات وسیع اجرایی که داراست استقلال کامل در برابر رئیس کشور (مثلاً پادشاه و ملکه) برخوردار است (موسیزاده، ۱۳۹۹: ۲۲۱). اما در نظام حقوق اساسی فلسطین با توجه به اختیاری که قانون اساسی در ماده ۴۵ مبنی بر انتخاب و حق عزل نخست وزیر بخشیده است، عملاً نخست وزیر و کابینه استقلال کامل در برابر سیاستهای ریاست تشکیلات ندارند و این خود اثبات کننده ماهیت شبه ریاستی نظام حکومتی فلسطین است. البته اگر نخست وزیر از حزب رقیب باشد همچنان که در دوره ای نخست وزیر از حماس بود می‌توان تا حدودی قائل به استقلال نخست وزیر و کابینه در برابر ریاست تشکیلات بود. اما با توجه به ماده ۴۵ همچنان تاثیر قابل توجه ریاست تشکیلات بر کابینه را می‌توان محقق دانست. همچنین وظایف هیئت وزیران در ماده ۶۹ منجمله تدوین و اجرای سیاستهای کلی و تدوین برنامه عمومی و بودجه و... ذکر شده است.

#### ۲-۴-۲. قوه مقننه

فصل چهارم قانون اساسی به قوه مقننه اختصاص یافته است. بند ۲ از ماده ۴۷ برای مجلس آیین نامه داخلی را پیش بینی کرده است. همینطور ماده ۵۳ به مصونیت نمایندگان اشاره داشته و آن را به رسمیت شناخته است. همچنین قانون اساسی در ماده ۵۷ امکان استیضاح کابینه یا یکی از وزیران را برای مجلس فراهم آورده است. کمیته ویژه تحقیق و تفحص پیش بینی شده است تا در مسائل عمومی یا درباره یکی از سازمان‌های دولتی تحقیق و تفحص کند. قانون اساسی همچنین تکلیف تعیین چشم انداز کلی توسعه را به دوش مجلس نهاده است. در ماده ۶۰ و ۶۲ نیز احکام مربوط به بودجه مشخص شده است.

#### ۳-۴-۲. قوه قضاییه

قانون اساسی فلسطین در فصل ششم پیرامون اصول و ساختار هایی که بر قوه قضاییه حاکم است زبان به سخن گشوده است. قانون در جهت حفظ تفکیک قوا و جلوگیری از نفوذ قوه مجریه و مقننه در قوه قضاییه، در ماده ۹۷ اصل استقلال قوه قضاییه و در ماده ۹۸ و ۹۹ اصل استقلال قضات را به رسمیت شناخته است. البته ماده ۱۰۹ استثنایی به این اصل وارد آورده است. ماده ۱۰۹ بیان می دارد که اجرای حکم اعدام صادر شده از هر یک از دادگاه‌ها فقط با موافقت رئیس تشکیلات ملی فلسطین امکان پذیر است. قانون اساسی ریاست قوه قضاییه را بر عهده شورای عالی قضات قرار داده است. همینطور در ماده ۱۰۱، ۱۰۲ و ۱۰۳ انواع دادگاه‌ها را پیش بینی کرده است که در میان آنها نام «دادگاه عالی قانون اساسی» نیز به چشم می‌خورد. در ماده ۱۰۵ به علنی بودن جلسات دادگاه‌ها اشاره گردیده و همینطور در ماده ۱۰۷ و ۱۰۸ به دادستان کل اشاره نموده است و بیان داشته است که دادستان کل با تصمیم رئیس تشکیلات ملی و بر اساس انتخاب شورای عالی قضات و با موافقت مجلس قانونگذاری منصوب می‌شود و او را مدعی‌العموم ملت عربی فلسطین خوانده است. در ماده ۱۰۹ اجرای حکم اعدام صادر شده از سوی هر یک از دادگاه‌ها فقط با موافقت رئیس تشکیلات ملی فلسطین امکان پذیر است.

#### ۵-۲. وضعیت فوق العاده

شرایط اضطراری در هر جامعه سیاسی نظام حقوق اساسی را بر آن می‌دارد که در این شرایط برخلاف تفکیک قوا بر صلاحیت قوه مجریه بیفزاید و محدودیت‌هایی

را بر حقوق ملت بار کند. قانون اساسی فلسطین نیز در فصل جداگانه (فصل هفتم) و در مواد ۱۱۰ تا ۱۱۴ به وضعیت فوق‌العاده پرداخته است.

در ماده ۱۱۰ بیان می‌دارد: « ۱. اعلام وضعیت فوق‌العاده فقط در مواردی که امنیت ملی به سبب جنگ و تجاوز یا فعالیت مسلحانه یا وقوع حوادث طبیعی تهدید می‌شود امکان‌پذیر است و این وضعیت به دستور رئیس تشکیلات ملی و حداکثر برای سی روز اعلام می‌شود.

۲. تمدید وضعیت فوق‌العاده برای ۳۰ روز دیگر مجاز است و اینکه مجلس قانونگذاری با رای موافق دو سوم نمایندگان آن را تایید کند.

۳. در متن دستور اعلام وضعیت فوق‌العاده باید هدف و منطقه و مدت زمان آن به صورت مشخص ذکر گردد.

۴. مجلس قانونگذاری می‌تواند درباره همه موارد و اقدامات و تدابیری که در مدت زمان اعلام وضعیت فوق‌العاده اتخاذ شده است تحقیق و تفحص کند و این امر در نخستین جلسه ای که پس از اعلام وضعیت فوق‌العاده یا تمدید آن تشکیل می‌شود محقق می‌گردد و از مراجع مربوطه در این باره پاسخ بخواهد.»

در ماده ۱۱۳ اعلام شده است که: « در دوره ای که وضعیت فوق‌العاده اعلام شده انحلال یا تعطیلی مجلس قانون‌گذاری مجاز نیست و احکام مربوط به این بخش نیز به حالت تعلیق در نمی‌آید.»

بنابراین ماده باید گفت انحلال مجلس توسط محمودعباس در پی اختلافات ۲۰۰۷ میان فتح و حماس اقدامی خلاف قانون بوده است چرا که طبق این ماده انحلال مجلس حتی در وضعیت فوق‌العاده هم ممکن نیست.

### نتیجه:

نظام حقوق اساسی فلسطین را بایستی در چهارچوب نزاع فلسطینیان و رژیم اشغالگر تحلیل کرد و الا در تبیین این نظام دچار اشتباه خواهیم شد. بر اساس آنچه گذشت باید گفت نوع نظام نیمه‌ریاستی برای نظام حقوق اساسی فلسطین کاملاً مفید به فایده می‌تواند باشد، چرا که نظام پارلمانی با توجه به تکثر احزاب در فلسطین و اختلاف میان آنها سبب اختلاف و بی‌نظمی در ارکان اداره کشور می‌گردید و از سوی دیگر نظام ریاستی نیز چندان مناسب نبود چرا که با توجه به مسئله تکثر احزاب در فلسطین و اختلافات آنها رئیس تشکیلات ملی چه بسا نمی‌توانست حائز رای اکثریت واجدین شرایط انتخابات گردد و همین سبب می‌شد که مقبولیت

او زیر سوال رود و اقتدار کافی را برای به اطاعت واداشتن دیگران در تبعیت از قوانین و اجرای قوانین من جمله قانون اساسی را آنگونه که باید و شاید نداشته باشد.

بنابراین در چارچوب واقعیت های سیاسی و میدانی فلسطین نظام حاکم نیمه ریاستی است که در آن با وجود منصب نخست وزیری که برآمده از اصلاحات ۲۰۰۳ است، از حزب رقیب نیز می تواند در کنار رئیس تشکیلات بهره برد و به این ترتیب مقبولیت دولت را بالا برد و از سوی دیگر با اختیارات وسیع قوه مجریه خصوصاً ماده ۴۳ می توان جلوی نتایج زیانبار اختلافات مجلس را که ناشی از همان تکرر احزاب است گرفت؛ لذا قانون اساسی فلسطین را اگر در چارچوب واقعیت ها ببینیم خواهیم دید که یک قانون کار آمد و منطبق با واقعیت ها است. در حالی که چه بسا این قانون اساسی برای کشوری دیگر اصلاً کار آمد نباشد.

مسئله دیگر توجه قانون اساسی به مسئله حقوق و آزادی ها به صورت علمی، حقوقی و دقیق جهت حفظ حقوق ملت بوده است؛ خصوصاً با پذیرش حقوق طبیعی و همینطور با الزام دولت به پیوستن به معاهدات حقوق بشری خود را به قوانین اساسی معیار در جهان مدرن نزدیک کرده است.

نکته منفی این قانون اساسی تاکید آن بر امت عربی بدون توجه به امت واحده اسلامی است. آشکار است که این تعصبات قبیله ای خلاف شأن کشورهای اسلامی است. هرچند در ماده ۲۴ بیان نموده است که مبانی شریعت اسلام منبع اصلی قانون گذاری است. اما خود «مبانی شریعت» در مقابل «شریعت» نشان از عدم پایبندی قانون اساسی فلسطین به احکام شریعت است که عملاً به دست حزب سکولار سازمان آزادیبخش فلسطین بنا نهاده شده است.

در نهایت باید گفت قانون اساسی فلسطین با وجود نقدهایی که بر آن وارد است تا حدودی سندی رهگشا، دقیق و کاربردی است اما باید به این نکته توجه داشت که پایبندی زیادی نسبت به این سند را در میان قوای حاکم شاهد نمی باشیم که انحلال مجلس قانون گذاری فلسطین و عدم برگزاری انتخابات مجلس تا کنون و نیز عدم برگزاری انتخابات ریاست تشکیلات شاهد بر این مدعاست. البته آثاری از اجرای قانون اساسی نیز به چشم می خورد نظیر تشکیل دادگاه عالی قانون اساسی و نیز وجود دانشگاه های دولتی در فلسطین از آن جمله است، اما قانون اساسی فلسطین هم چنان تا رسیدن به آرمان های خود راه دراز و سختی در پیش رو دارد.

## منابع

### کتاب‌ها

۱. ابری، احسان، (۲۰۲۰). از اسرائیل چه می‌دانیم، بی‌جا، آوای بوف.
۲. حسن، حسن، (۲۰۰۹) الانظمه السياسیه و الدستوریه فی لبنان و سائر دول العربیه، بیروت، دارالنشر.
۳. سرحال، احمد (۱۹۹۰) النظم السياسیه و الدستوریه فی لبنان و کافه دول العربیه، بیروت، دار الفکر.
۴. صالح، محسن محمد (۲۰۱۴) منظمه التحریر الفلسطینیه و المجلس الوطنی الفلسطینی، بیروت، مرکز الزيتونه للدراسات.
۵. صفور، حسن (۲۰۱۶) فلسطین دوله علی قائمه الانتظار، اسکندریه، المجمع الثقافی.
۶. عمیدزنجانی، عباسعلی (۱۳۸۴) حقوق اساسی تطبیقی، تهران، میزان.
۷. قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل، (۱۳۸۴). بایسته‌های حقوق اساسی. تهران: میزان.
۸. موسی زاده، ابراهیم (۱۳۹۹) حقوق اساسی کشورهای اسلامی، تهران، دانشگاه تهران.

### مقالات

۹. پاسدار اسلام، (۱۳۷۹). یاسر عرفات و راه حل صهیونیستی مساله فلسطین
۱۰. خلیل، عاصم، (۲۰۰۵). اشکالیات الدستوریه فی ضوء الواقع الفلسطینی. مجله الدراسات الفلسطینیه .
۱۱. دوست محمدی، احمد، (۱۳۸۲). ساکنان و صاحبان اولیه و اصلی سرزمین فلسطین. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، (۶) ۵۱۱.
۱۲. رائد، ناجی (۲۰۱۲). السلطه التنفیذیه فی القانون الاساسی الفلسطینی، مجله الحقوق و العلوم الانسانیه العدد ۲۰.
۱۳. ساجدی، امیر، (۱۳۸۷). موانع صلح فلسطین و اسرائیل. مطالعات روابط بین الملل، (۲) ۱.
۱۴. گودرزی، فاطمه، (۱۳۹۳). فلسطین در گفتمان سلفی‌گری جهادی. مطالعات فلسطین، ۲۷.

### پایگاه‌های اینترنتی

۱۵. محمدی، علی، در: خبرگزاری مهر، (۱۳۹۷). محمود عباس مجلس قانونگذاری فلسطین را منحل کرد. برگرفته از:

<https://www.mehrnews.com/news/4492433/%D985%D8%AD%D9...>

۱۶. دانشنامه جهان اسلام، (۱۳۹۶). سازمان آزادیبخش فلسطین. برگرفته از:

<https://rch.ac.ir/article/Details?id=15053>

۱۷. رمضانخانی، صفی الله، (۱۴۰۰). انتخابات فلسطین؛ تیغ دولبه برای تل آویو/ ضرورت تقویت وحدت ملی. برگرفته از:

<https://www.mehrnews.com/news/4492433/%D985%D8%AD%D9...>

۱۸. زواره گلی، غلامرضا، (۱۳۷۸). فلسطین؛ قلمرو مسلمین. (۷۸) ۹۲. برگرفته از:

[http://www.payamezan.eshragh.ir/article\\_50674.html](http://www.payamezan.eshragh.ir/article_50674.html)

۱۹. فرات، اسعد، (۲۰۲۰). مرکز آمار فلسطین: جمعیت فلسطینیان در جهان به ۱۳.۷ میلیون نفر رسید. برگرفته از:

<https://www.aa.com.tr/fa/%D8%AE%D8%A7%D988%D8%B1%D985%DB...>